بسمه تعالی

[مسأله 10 1](#_Toc72153824)

[ادامه بررسی کلام مرحوم بروجردی 1](#_Toc72153825)

[نظر نهایی استاد 6](#_Toc72153826)

[مسأله 11 6](#_Toc72153827)

**موضوع**: تکبیرة الاحرام /واجبات نماز /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در رابطه با تکبیرات سبع در ابتدای نماز بود؛ در این که کدام یک از تکبیرات سبع مصداق تکبیرة الاحرام است چهار قول مطرح شد؛ در جلسه قبل کلام مرحوم بروجردی مورد بررسی قرار گرفت.

# مسأله 10

يستحب الإتيان بست تكبيرات مضافا إلى تكبيرة الإحرام‌فيكون المجموع سبعة و تسمى بالتكبيرات الافتتاحية و يجوز الاقتصار على الخمس و على الثلاث و لا يبعد التخيير في تعيين تكبيرة الإحرام في أيتها شاء بل نية الإحرام بالجميع أيضا لكن الأحوط اختيار الأخيرة و لا يكفي قصد الافتتاح بأحدها المبهم من غير تعيين و الظاهر عدم اختصاص استحبابها في اليومية بل تستحب في جميع الصلوات الواجبة و المندوبة و ربما يقال بالاختصاص بسبعة مواضع و هي كل صلاة واجبة و أول ركعة من صلاة الليل و مفردة الوتر و أول ركعة من نافلة الظهر و أول ركعة من نافلة المغرب و أول ركعة من صلاة الإحرام و الوتيرة و لعل القائل أراد تأكدها في هذه المواضع‌

## ادامه بررسی کلام مرحوم بروجردی

**بحث راجع به کلام مرحوم بروجردی که فرمودند:** ظاهر روایاتی که در باب تکبیرات سبع است موافق قول مجلسی اول است که اگر هفت تکبیر در ابتدای نماز گفته شود تمام هفت تکبیر مصداق تکبیرة الاحرام و مصداق واجب است و اگر یک تکبیر گفته شود همان یک تکبیر مصداق تکبیرة الاحرام و مصداق واجب می شد. لکن چون این مبنا مستلزم تخییر بین أقل و أکثر می شد محال بود و لذا از این قول دست می کشیم و لذا اقوی و احوط این است که با تکبیر أخیر قصد تکبیرة الاحرام شود.

**ایشان فرموده است:**

**وجه این که احوط است این است که**: عمده دلیل ما در مقام شهرت است و دلیل دیگری بر تعیین نحوه ی تکبیرات سبع نداریم ولو اصل تکبیرات سبع مستحب است و شکی در آن نیست ولی در رابطه با نحوه آن دلیلی غیر از شهرت وجود ندارد و نحوه ای که از ظاهر روایات فهمیده می شد که موافق قول مجلسی اول بود مستلزم محال بود و قابل التزام نبود. پس باید به شهرت قدمائیه رجوع کنیم که مردد بین شهرت بر قول به تخییر و شهرت بر تعیین أخیر است و زمانی که تکبیرة الاحرام را در تکبیر أخیر تعیین کنیم هم موافق قول به تخییر و هم موافق قول به تعیین أخیر عمل شده است. مرحوم صدر نیزدر پاورقی منهاج الصالحین فرموده اند «الأحوط تعیین الأخیره لتکبیرة الاحرام» که مراد احوط وجوبی است.

**این مطلب، صحیح است، لکن اشکال ما این بود که**: روشن نیست تعیین تکبیر أخیر به عنوان تکبیرة الاحرام موجب عمل به استحباب باشد چون مقدماتی که مرحوم بروجردی بیان کردند را قبول نکردیم؛ ایشان مسلم گرفته اند که قول مجلسی اول باطل است و چون مسلم تعیّن تکبیر اول موافق با شهرت نبوده است پس این قول هم صحیح نیست و لذا در نظر ایشان تنها قول به تخییر و قول به تعیّن تکبیر أخیر محتمل است. اشکال ما این است که اولاً قول مجلسی اول هر چند مستلزم تخییر بین أقل و أکثر است ولی واضح البطلان نیست و قابل توجیه است ولو توجیهی که ما بیان کردیم (که أقل را مشتمل بر خصوصیتی قرار دادیم تا أمر به جامع بین یک تکبیرة الاحرام یا هفت تکبیر معقول شود) خلاف ظاهر أدله است ولی خلاف ظاهر أدله بودن به معنای حکم به بطلان این قول نیست و باید أدله دیگر نیز بررسی شود که اگر أدله دیگر نیز خلاف ظاهر باشد این اشکال اختصاصی به قول مجلسی اول نخواهد داشت و همان طور که قول مجلسی خلاف ظاهر است اقوال دیگر هم خلاف ظاهر بوده و در این اشکال مشترک می شوند.

**وجه این که قول مجلسی اول را خلاف ظاهر می دانیم این است که**: باید بر خصوصیتی مشتمل شود که بگوییم شخص مکلف است به یک تکبیری که قصد می کند این تکبیر استقلالا موجب دخول در نماز باشد یا به هفت تکبیری که قصد می کند تمام هفت تکبیر با هم موجب دخول در نماز باشد. این مطلب معقول است ولی نه تنها دلیل با آن مساعدت ندارد بلکه خلاف ظاهر اطلاق دلیل است؛ زیرا اطلاق دلیل اقتضا می کند که اگر کسی قصد کند هفت بار تکبیرة الاحرام بگوید ولی یک یا سه یا پنج بار گفت و پشیمان شد و دیگر هفت تکبیر را نگفت مقتضای اطلاق دلیل این است که نماز صحیح است، در حالی که لازمه أخذ خصوصیت مذکور این است که اگر قصد شود با هفت تکبیر وارد نماز شود و پشیمان شود و یک تکبیر بگوید نماز باطل باشد.

**خلاصه این که:** ما هر چند قول مجلسی اول را معقول می دانیم ولی خلاف اطلاق أدله می دانیم؛ یعنی نه تنها ظهوری در قول مجلسی اول ندارد بلکه قول مجلسی اول از یک جهت خلاف ظهور أدله است که این جهت بیان شد.

**أما به هر حال خلاف اطلاق أدله بودن قول مجلسی اول، موجب نمی شود کلام مرحوم بروجردی را قبول کنیم:** زیرا ایشان بیان نموده اند که اساطین فقه قائل به تعیّن تکبیر أخیر شده اند و حتماً نص معتبری به دست آن ها رسیده که به ما نرسیده است و مؤیداتی نیز بیان نمودند؛ ما قبول نداریم که حتماً نص معتبری (که دلالت بر تعیّن یا افضل بودن تعیین تکبیر أخیر به عنوان تکبیرة الاحرام) بوده که به دست آن ها رسیده و به دست ما نرسیده است؛ اولاً از کجا معلوم که نص معتبری به دست آن ها رسیده و به دست ما نرسیده است. ثانیاً، بر فرض نصی به دست آن ها رسیده باشد معلوم نیست که آن نص برای ما به لحاظ سند یا به لحاظ دلالت معتبر باشد.

**علاوه بر این که محتمل است وجوهی که برای تعیّن تکبیر أخیر بیان شده است مستند این بزرگان بوده باشد:** چند وجه برای تعیّن تکبیر أخیر بیان شد؛

از جمله به مرسله صدوق استدلال شده بود: «وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَتَمَّ النَّاسِ صَلَاةً وَ أَوْجَزَهُمْ كَانَ إِذَا دَخَلَ فِي صَلَاةٍ قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ‌»[[1]](#footnote-1) پس پیامبر یکبار «الله اکبر» می گفتند و وارد نماز می شدند؛ در روایت أبی علی الحسن بن راشد بیان شده است: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي عُيُونِ الْأَخْبَارِ وَ فِي الْخِصَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْخَلِيجِيِّ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا ع عَنْ تَكْبِيرَةِ الِافْتِتَاحِ- فَقَالَ سَبْعٌ قُلْتُ رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ كَانَ يُكَبِّرُ وَاحِدَةً- فَقَالَ إِنَّ النَّبِيَّ ص كَانَ يُكَبِّرُ وَاحِدَةً- يَجْهَرُ بِهَا وَ يُسِرُّ سِتّاً»[[2]](#footnote-2) یعنی پیامبر هفت تکبیر را می گفتند ولی شش تکبیر سری و یک تکبیر علنی بوده است و طبق مرسله صدوق تکبیری که علنی بوده است تکبیر آخر بوده است که بلافاصله بعد از آن بسم الله را می گوید. شاید بزرگان بین این دو روایت جمع کرده و گفته اند طبق روایت اول «اذا دخل فی صلاة قال الله اکبر» مشخص می شود که با تکبیر متصل به بسم الله دخول در نماز صورت می گرفته است و آن شش تکبیر دیگر قبل از این تکبیر گفته می شده است. البته ما این استدلال را قبول نداریم چون سند تمام نیست (اولی مرسله جزمی صدوق است که ما قبول نداریم. در دومی هم أحمد بن عبدالله الخلیجی است که توثیق ندارد) علاوه بر این که ممکن است پیامبر با مجموع قصد تکبیرة الاحرام می کرده است منتها تکبیر آخر را به صورت علنی می گفته است و شش تکبیر را مخفی می گفت و «کان اذا دخل فی صلاة قال الله اکبر بسم الله...» یعنی آخرین لحظه دخول در نماز که تکبیر سابعه است دیگر أدعیه (مثل انی وجهت وجهی ....) را برای رعایت حال اضعف مأمومین نمی خواند.

پس این که در روایات هیچ أثری برای أفضلیت قصد تکبیر أخیر به عنوان تکبیرة الاحرام فضلاً از تعیّن آن وجود ندارد و بر این اساس گفته شود که حتماً نص معتبری در دست اساطین بوده است صحیح نیست و می گوییم شاید همین وجوه برای تعیّن أخیر نزد بزرگان مطرح بوده است که یک وجه را بیان کردیم.

**ممکن است وجه بزرگان وجهی باشد که مرحوم داماد بیان نموده اند که**: در صحیحه حلبی بیان شده است امام جماعت یک تکبیر را به صورت جهری و شش تکبیر را به صورت اخفاتی می گوید. معتبره أبی بصیر می گوید: «وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَجَّالِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: يَنْبَغِي لِلْإِمَامِ أَنْ يُسْمِعَ مَنْ خَلْفَهُ كُلَّمَا يَقُولُ وَ لَا يَنْبَغِي لِمَنْ خَلْفَ الْإِمَامِ أَنْ يُسْمِعَهُ شَيْئاً مِمَّا يَقُولُ»[[3]](#footnote-3) این روایت بیان می کند که سزوار است که امام جماعت هر چه را در نماز می گوید به صورت علنی بگوید تا مأمومین بشنوند. بین این دو روایت این گونه جمع کرده اند که شش تکبیری که سری می گوید جزء نماز نیست ولی تکبیر سابع جزء أول نماز است و لذا آن را علنی می گوید. پس این وجه نیز هر چند ما قبول نکردیم ولی قابل استناد است و شاید اساطین فقه به این وجه استناد کرده باشند.

**ممکن است مستند اساطین وجه سوم باشد:** در صحیحه معاویة بن عمار بیان شده است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: التَّكْبِيرُ فِي صَلَاةِ الْفَرْضِ الْخَمْسِ الصَّلَوَاتِ خَمْسٌ وَ تِسْعُونَ تَكْبِيرَةً مِنْهَا تَكْبِيرَاتُ الْقُنُوتِ خَمْسَةٌ»[[4]](#footnote-4) در شبانه روز پنج نماز واجب است که در آن 95 تکبیر وجود دارد که 5 تکبیر آن تکبیر قنوت است؛ اگر تکبیر اول تکبیرة الاحرام باشد یا مخیّر باشیم و بتوانیم تکبیر اول یا دوم را به عنوان تکبیرة الاحرام انتخاب کنیم عدد تکبیرات در نماز از 95 تکبیر تجاوز می کند و عدد 95 در صورتی صحیح است که شش تکبیر اول جزء تکبیرات نماز محسوب نشود؛ تکبیر بعد از رفع رأس از سجده اول، تکبیر قبل از سجده ثانیه، تکبیر بعد از رفع رأس از سجده ثانیه، تکبیر رکوع، تکبیر قبل از رکوع؛ هر رکعت پنج تکبیر که با ضرب در 17 رکعت 85 تکبیر می شود که با پنج تکبیر قنوت و با پنج تکبیر احرام به 95 تکبیر می رسد.

**البته جواب از این وجه به نظر ما این است که:** این روایت با قول به تعیّن تکبیر اول تنافی دارد ولی با سایر اقوال تنافی ندارد (اگر هفت تکبیر را به عنوان تکبیرة الاحرام قرار دهد مجموع آن یک تکبیر بوده و با تکبیر سابعه داخل در نماز می شود و هفت تکبیر داخل در نماز نیست، بلکه با اتمام تکبیر سابع وارد نماز می شود ولی تمام هفت تکبیر تکبیرة الاحرام است. همین مقدار که با تکبیر أخیر وارد نماز می شود ولو قصد کرده که تمام هفت تکبیر، تکبیرة الاحرام باشد کافی است و فرقی ندارد یک تکبیر یا هفت تکبیر بگوید. همچنین قول به تخییر را هم ابطال نمی کند چون تخییر است و شخص می تواند تکبیر آخر را به عنوان تکبیرة الاحرام قصد کند و بنا بر قول به تخییر، ترغیب نسبت به این صورت نگرفته که تکبیر اول را تکبیرة الاحرام قرار دهد و چون ترغیب نشده است آن را به عنوان تکبیرات نماز محسوب نکرده اند) و قول به تعیّن تکبیر أخیر متعیّن نمی شود ولی به هر حال این وجه ممکن است مستند اساطین فقه باشد.

**علاوه بر این که:** با روایت «یجهر بواحدة و یسر ستا» معارض است چون بیان می کند یکی از تکبیرات را جهری بگوید و بیان نمی کند که تکبیر أخیر را جهری بگوید و أکل از قفا است که به جای تعبیر «یجهر بالأخیره» تعبیر «یجهر بواحده» گفته شود و تقیید «واحدة» به تکبیر أخیر عرفی نیست. ظاهر روایت این است که تکبیر جهری به عنوان تکبیرة الاحرام است نه این که تکبیر اول را جهری بگوید و مأمومین اقتدا کنند و امام جماعت تکبیر سابع را که به صورت سری می گوید به عنوان تکبیرة الاحرام قرار دهد تا موجب بطلان نماز مأمومین شود که زودتر اقتدا کرده اند.

این وجوه قابل گفتن بود و وجوه اعتباری و استحسانی نیز وجود دارد که ممکن است در ذهن این بزرگان بوده باشد؛ از جمله این که شخص با آخرین تکبیر وارد نماز می شود و تحریم با تکبیر أخیر محقق می شود و اگر تکبیر اول به عنوان تکبیرة الاحرام قرار داده شود تکبیرات بعدی زیادی در تکبیرة الاحرام می شود.

**خلاصه این که:** این قدر بزرگ جلوه دادن فتوای قدما و اساطین فقه دانستن قدما و این که سر سفره آنها نشسته ایم نباید موجب اعجاب بیش از حد شود؛ خود قدما اختلاف فتوا دارند و خود شیخ طوسی اختلاف فتوا دارد و مثلاً راجع به بلوغ دختر در کتاب مبسوط مختلف سخن گفته است. لذا این طور نیست که بگوییم حتماً مطلبی بوده است که دیده اند و به ما نرسیده است. لذا قول به تعیّن أخیره أقوی نیست.

**مرحوم بروجردی برای احوط بودن بیان کردند که:** قول مجلسی اول که باطل است و تعیّن تکبیر اول شهرتی ندارد –که صحیح است- و چون دلیل ما غیراز شهرت چیز دیگری ندارد و شهرت مردد بین تخییر و قصد أخیر است؛ این احتیاط را برای صحت نماز قبول داریم ولی برای عمل به مستحب قبول نداریم؛ قول به تعیّن تکبیر اول هر چند مشهور نیست ولی باطل نیست؛ البته خلاف اطلاق روایات بود ولی اقوال دیگر نیز خلاف اطلاق روایات بود مثلاً قول به تخییر می گوید باید یکی را به عنوان تکبیرة الاحرام قصد شود در حالی که در روایات بیان شد که هفت تکبیر گفته شود و بیان نکرد که یکی به عنوان تکبیرة الاحرام قصد شود و نیز در روایت بیان نکرد که تکبیر أخیر به عنوان تکبیرة الاحرام قصد شود.

پس احوط در مقام تصحیح نماز (نه در مقام عمل به مستحب) این است که اگر هفت تکبیر می گوید قصد کند که تکبیر أخیر به عنوان تکبیرة الاحرام باشد. لکن مقتضای اطلاق روایات این است که قصد تعیین أخیر لازم نیست و همین که هفت تکبیر بگوید کافی است حال این که همه مصداق امتثال واجب است یا اولی یا آخری معلوم نیست ولی اطلاق أدله این مطلب را بیان می کند که قصد تعیین لازم نیست و در هیچ روایتی بیان نشد که تعیین لازم است و ظاهر تکبیرات، تکبیرات افتتاح است و تکبیرة الاحرام به معنای تکبیرة الافتتاح است که اطلاق أدله دلالت دارد که تعیین لازم نیست و لذا أقوی این است که قصد تعیین لازم نیست. و این که نسبت هر تکبیر مانند أجزای «الله اکبر» باشد از أدله استظهار نمی شود و خلاف اطلاق أدله است.

## نظر نهایی استاد

ما در این مسأله می توانیم بگوییم که هفت تکبیر هنگام افتتاح نماز مستحب است و تعیین هیچ کدام به عنوان تکبیرة الاحرام لازم نیست. طبعاً اگر تعیین یکی از این تکبیرها برای تکبیرة الاحرام قصد نشود خود به خود تکبیر اول تکبیرة الاحرام می شود چون ما با آن هم قصد تکبیرة الاحرام کردیم و قصد ما گفتن هفت تکبیر برای افتتاح نماز بود و لذا خود به خود تکبیر اول تکبیرة الاحرام می شود ولی اگر قصد شود که غیر از تکبیر اول تکبیرة الاحرام باشد اشکالی ندارد.

پس این که ظاهر قائلین به تخییر مثل مرحوم خویی این است که باید حتماً قصد شود که یکی ازاین تکبیرات تکبیرة الاحرام باشد و اگر هفت تکبیر گفته شود و به صورت مبهم یکی از هفت تکبیر را به عنوان تکبیرة الاحرام قرار دهد نمازش باطل باشد صحیح نیست و تعیین لازم نیست و خلاف اطلاق أدله است؛ اگر تعیین نشود بر اولین فرد واجب منطبق می شود مگر این که قصد خلاف شود که مثلاً تکبیر سابع تکبیرة الاحرام باشد.

# مسأله 11

لما كان في مسألة تعيين تكبيرة الإحرام‌إذا أتى بالسبع أو الخمس أو الثلاث احتمالات بل أقوال تعيين الأول و تعيين الأخير و التخيير و الجميع فالأقوى لمن أراد إحراز جميع الاحتمالات و مراعاة الاحتياط من جميع الجهات أن يأتي بها بقصد ‌انه إن كان الحكم هو التخيير فالافتتاح هو كذا و يعين في قلبه ما شاء و إلا فهو ما عند الله من الأول أو الأخير أو الجميع‌

اگر کسی می خواهد بین اقوال احتیاط کند باید این گونه قصد کند که اگر قول به تخییر صحیح است تکبیر چهارم مثلاً تکبیرة الاحرام باشد و اگر قول به تخییر صحیح نیست همان تکبیری که عندالله متعیّن است تکبیرة الاحرام باشد.

مرحوم امام، مرحوم بروجردی و آقای سیستانی به صاحب عروه اشکال کردند. مرحوم امام این را تردید در نیّت دانسته و صحیح نمی دانند و احتیاط تام را ممکن ندانسته اند. مرحوم بروجردی فرموده اند: این احتیاط صاحب عروه ربطی به احتیاط ندارد و باطل هم می باشد.

1. من لا يحضره الفقيه، ج‌1، ص: 306‌ [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشيعة، ج‌6، ص: 33‌ [↑](#footnote-ref-2)
3. تهذيب الأحكام، ج‌2، ص: 102‌ [↑](#footnote-ref-3)
4. الكافي (ط - الإسلامية)، ج‌3، ص: 310‌ [↑](#footnote-ref-4)